

سیر تحول طنز مطبوعاتی در یکمصد سال اخیر ایران از دیدگاه ادبی (مطالعه موردی: نسیم شمال، توفیق و گل آقا)

فرحناز محمدی، امید مجد*

گروه زبان و ادبیات فارسی، پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

آذر ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۹، صفحات ۲۵۹-۲۷۴

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۸۸۲

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: طنز از انواع فرعی ادبیات و زاده اعتراض است و بیگمان یکی از عرصه‌های مهم بروز و جلوه طنز در دوره معاصر، مطبوعات بوده‌اند. طبق نظر طنزپردازان، مهمترین کارکرد طنز مطبوعاتی، انتقادی و ژورنالیستی بودن آن است و طنز مطبوعاتی بدلیل این ماهیت، بشکل مستقیم با دستگاه‌های صاحب‌قدرت گره خورده است. در این پژوهش، سه نشریه برجسته نسیم شمال، توفیق، و گل آقا از سه دوره مشروطه، پهلوی و انقلاب اسلامی بعنوان نمونه انتخاب شده و از منظر ادبی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش مطالعه: روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، کتابخانه‌ای و براساس یادداشت‌برداری است و تحلیل داده‌ها بصورت توصیفی انجام شده است. بر این مبنا در آغاز کتابهای مهم در زمینه طنزپردازی در ایران مطالعه و یادداشت‌برداری شده و سپس مطبوعات موردنظر مطالعه شده‌اند و به تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای استخراج آرایه‌های ادبی و فنون بلاغی پرداخته شده است. **یافته‌ها:** انتقادهای سیاسی و اقتصادی پایه اصلی طنز این مطبوعات است. اخبار روز در حوزه‌های مختلف، دقت در روند زندگی اجتماعی، ارتباطات میان افراد جامعه از مهمترین منابع مهم سوژه‌یابی برای طنزپردازان این سه نشریه است.

نتیجه‌گیری: آبرونی و طعنه، کنایه و ارسال‌المثل، تشبیه، استعاره و نقیضه‌گویی پرکاربردترین شگردهای بلاغی در این متون هستند. زبان در این نشریات ساده بوده و نسیم شمال بعلاوه تقدیم زمانی آن و وجه شاعری سید اشرف‌الدین دارای زبانی به نسبت رسمیت‌ر و ادیبانه‌تر است.

تاریخ دریافت: ۱۱ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۱۴ شهریور ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۲۵ شهریور ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۰۶ آبان ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

طنز، مطبوعات، صنایع ادبی، گل آقا، توفیق، نسیم شمال

* نویسنده مسئول:

majdomid@ut.ac.ir

۶۶۴۹۱۴۳۷ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The evolution of press humor in the last one hundred years of Iran from a literary point of view (Case study: Nasim Shomal, Towfiq and Gol Agha)

F. Mohammadi, O. Majd*

Department of Persian Language and Literature, Alborz Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۲ August ۲۰۲۱

Reviewed: ۰۵ September ۲۰۲۱

Revised: ۱۶ September ۲۰۲۱

Accepted: ۲۸ October ۲۰۲۱

KEYWORDS

satire, press, literary industries,
Gol Agha, Towfiq, Nasim Shomal

*Corresponding Author

✉ majdomid@ut.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱) ۷۷۴۹۱۴۳۷

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Humor is a subtype of literature and a product of protest, and one of the most important arenas for the emergence and effect of humor in the contemporary period has been the press. According to satirists, the most important function of press humor is its critical and journalistic nature, and due to this nature, press humor is directly tied to the ruling institutions. In this research, three prominent publications Nasim Shomal, Towfiq, and Gol Agha from the three periods of constitutionalism, Pahlavi, and Islamic Revolution were selected as examples and analyzed from a literary point of view.

METHODOLOGY: The method of data collection in this research is library and based on note-taking, and data analysis is done descriptively. On this basis, at the beginning, the important books in the field of satire in Iran were studied and noted, and then the relevant press was studied and the data was analyzed based on the extraction of literary arrays and rhetorical techniques.

FINDINGS: Political and economic criticisms are the main basis of humor in this press. Daily news in various fields, precision in the process of social life, communication between people in the society are among the most important sources of finding topics for the satirists of these three publications.

CONCLUSION: Irony and sarcasm, irony and allegory, simile, metaphor and contrast are the most used rhetorical techniques in these texts. The language in these publications is simple, and Nasim Shomal has a more formal and literate language due to its earlier time and the poetic aspect of Seyyed Ashrafuddin.

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۷۸۸۲

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۶	 .	 .

مقدمه

«مطبوعات طنز» از شاخصترین و رایجترین ابزار فراگیر اطلاع‌رسانیند که از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد، بصورت نوعی رفتار اجتماعی و شاخص مطالعاتی در تاریخ‌نگاری جریانهای سیاسی و اجتماعی درآمده‌اند و در طول عمر نسبتاً طولانی خود، راهی پرفرازونشیب را پشت سر نهاده‌اند، اما همواره به دلایل گوناگون، دستخوش تغییر و تحول شده‌اند. «طنز» بعنوان یکی از گونه‌های ادبی مهم و برجسته، در ایران از دوره مشروطه به بعد بطور جدّ و تحت تأثیر شیوه‌های نوین طنزپردازی در جهان امروز، مورد استقبال ادبا و نویسندگان قرار گرفت. در یکصد سال اخیر ایران در زمینه طنز مطبوعاتی سه دوره کاملاً مشخص و تفکیک‌شده وجود دارد. طنز مطبوعاتی دوره مشروطه، طنز دوره پهلوی اول و دوم (شاهنشاهی)، و طنز دوره پس از انقلاب اسلامی. در هر دوره افراد و آثار شاخصی وجود دارند و در هر دوره‌ای و در آثار گوناگون، ابزارهای بیانی و بدیعی خاصی مورد استفاده قرار گرفته است. از دوران مشروطه به بعد، نشریات طنز بعنوان نشریاتی مسئولیت‌پذیر در حوزه اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در این دوره، مرحله‌ای از تحول و تکامل ادبی و فکری را پیموده و از خامی به پختگی و از بیان مضامین سطحی به مضامین عمیق اجتماعی و سیاسی رسیده و در صحنه‌های داخلی، طنز در رقابت گروه‌های سیاسی و مبارزات قلمی روزنامه‌نگاران به اوج رسیده، بطوریکه در فضای سیاسی جامعه‌ای بسیار احساسی و ملتهب، طنز رویکرد روزنامه‌نگاری خود را به آرامی تغییر داده و به شکلی سیاسی درآمده و بعنوان یکی از انواع ادبی، از ابزارهای کلامی بسیار مهم، در دست سیاستمداران و اصحاب مطبوعات بوده است.

در این پژوهش براساس روزنامه‌های شاخص این دوره‌ها، یعنی نسیم شمال، توفیق و گل آقا، به بررسی محتوای بلاغی و ادبی آثارشان پرداخته و آثار در دو سطح نظم و نثر، براساس ابزارهای بلاغی و کاربرد صنایع بیانی سنجیده شده است.

ضرورت و سابقه پژوهش

براساس جستجوی نگارندگان، پژوهشی که به بررسی و مقایسه شگردهای ادبی در سه نشریه طنز موردبحث در جستار حاضر پرداخته باشد، یافت نشد، اما پژوهشهای مرتبطی در این زمینه وجود دارد که به برخی از آنها اشاره میشود:

«بررسی طنز منشور در برخی از مطبوعات رسمی طنز کشور (بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی)» عنوان مقاله‌ای است از شریفی و کرامتی یزدی (۱۳۸۸) که در آن به توصیف و بررسی طنز منشور در مطبوعات رسمی طنز کشور پرداخته شده است. داده‌های این تحقیق شامل ۲۶۰ متن منشور برگرفته از هفت مجله طنز میباشد که در ۲۵ سال اخیر در ایران منتشر شده‌اند. این داده‌ها بر اساس رویکرد «نظریه عمومی طنز کلامی» که شامل شش متغیر پایه یا منابع دانش است، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان میدهد که چارچوب معرفی‌شده این قابلیت را دارد که برای تحلیل متون طنز منشور در زبان فارسی به کار گرفته شود؛ بعلاوه، از بین شش متغیر پایه مطرح در نظریه عمومی طنز کلامی، دو متغیر تقابل انگاره و مکانیسم منطقی از عوامل همیشه حاضر و مؤثر در ساختار طنز منشور در زبان فارسی هستند. خرابی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «طنز در مطبوعات دوره آغازین مشروطیت» به بررسی طنز در مطبوعات مانند ادب، آذربایجان، صوراسرافیل، کشکول، و حشرات‌الارض پرداخته است. «شگردهای طنز ساز در دو کلمه حرف حساب کیومرث صابری (گل آقا)» عنوان مقاله‌ای است از ایران‌زاده و زارع بنادکویی (۱۳۹۱). نگارندگان معتقدند سبک‌شناسان در تحلیل آثار ادبی جنبه‌های زبانی، ادبی و محتوایی

را بررسی میکنند و آثار طنز را نیز میتوان در همین حوزه‌ها بررسی کرد؛ با این تفاوت که در حوزه ادبی، علاوه بر شگردهای بلاغی، باید از تکنیکهای خنده نیز بحث کرد. آنها همچنین اذعان میکنند که صابری، به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران طنز معاصر نویسنده‌ای صاحب‌سبک است. سبک خاص او بخصوص در ستون «دو کلمه حرف حساب روزنامه اطلاعات بخوبی مشخص است. سه ویژگی عمده شگردهای طنزآفرین، ابداع شگردها و تلفیق شگردهای طنز ساز سبب میشود طنزهای صابری جذابیت خاصی داشته باشد. با توجه به پیشینه تحقیق حاضر، این جستار در جهت رفع خلأ پژوهشی موجود، صورت گرفته است.

بحث و بررسی

مطبوعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۴ عبارتند از نشریاتی که بطور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره‌ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر میشوند؛ نشریه‌ای که بدون اخذ پروانه از هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد، از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است (فرهنگ مطبوعات ایران). مطبوعات، بعنوان نخستین وسیله ارتباط جمعی دارای نقشهای ویژه‌ای در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع هستند و با وجود اینکه تکنولوژیهای جدید، جنبه خبررسانی این رسانه را کمرنگ کرده‌اند، نقش تحلیلی و انتقادی برای روزنامه‌ها همچنان پابرجاست. در کشور ما نیز مطبوعات از همان ابتدای ورود، به نقش انتقادی خود پایبند بودند. در دوران استبداد قاجاری، مطبوعات و جرائد در شکلگیری انقلاب مشروطیت نقش غیرقابل‌انکاری ایفا کردند و طنز مطبوعاتی بعنوان یکی از راههای انتقاد اجتماعی از دل روزنامه‌ها سر برآورد. همان‌طور که باستانی پاریزی در سخنرانی خود درباره جرائد فکاهی ایران میگوید: «وقتی نسیم آزادی کمابیش از جوانب این مملکت شروع به وزیدن کرد، از حوالی (۱۳۰۰ قمری - ۱۸۸۲ میلادی) به بعد، جوانه فکاهی و طنزنویسی به موازات جرائد جدی، از شاخسار مطبوعات برآمد» (باستانی پاریزی، ۱۳۵۰، به نقل از حکیمی، ۱۳۷۵: ۳۷). باید توجه داشت که طنز، در کنار اینکه میتواند اصلاحگر و انتقادی و مبارز باشد، میتواند جنبه مسخرگی و سرگرم‌کنندگی صرف هم پیدا کند و همین قابلیت چندگانه، اندیشه‌های گوناگونی را پیرامون مفهوم خندیدن و طنز در تاریخ پدید آورده است. رسانه‌های مختلف و از جمله مطبوعات نیز با توجه به تعریف خود از طنز، آن را به کار میگیرند (فرقانی و سیاسی، ۱۳۹۶: ۲).

طنز از اقسام هجو است که در آن معمولاً مقاصد اصلاح‌طلبانه و اجتماعی مطرح است و فرق آن با هجو این است که تندی، تیزی و صراحت هجو در طنز نیست. طنز مطبوعاتی متناسب با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دستخوش تغییر و تحول است. از عوامل بروز طنز سیاسی و اجتماعی با رویکرد انتقادی در هر جامعه، شکاف و فاصله میان طبقات اجتماعی بویژه طبقه قدرتمند با طبقات و گروههای پایینتر اجتماعی است. طنز با قرار گرفتن میان شکاف و گسلهای اجتماعی قدرتمایی میکند و یکی از مهمترین اهداف اصلی خود را اصلاح نقش گروههای اجتماعی و ترمیم این شکاف قرار میدهد (عرفانی، ۱۳۷۹).

مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها

در میان نظریه‌های علم ارتباطات، نظریه‌های هنجاری به تشریح باید‌ها و نبایدهای حاکم بر وسایل ارتباط جمعی یا به عبارتی نظام‌های کنترل و مدیریت رسانه‌ها میپردازند. نحوه کنترل و مدیریت رسانه‌ها، بر محتوای آنها اثر

میگذارد و این امر به نوبه خود تأثیرات رسانه‌ها را معین و مشخص میسازد. هنجار و نظام کنترل رسانه‌ها در برهه‌های زمانی و موقعیتهای مکانی، تابعی از آراء و اندیشه‌های مربوط به فلسفه سیاسی، حقوق و تکالیف انسانی و نظامهای اقتصادی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۶). اولین کوشش برای بیان مقایسه‌ای نظریه‌های عمده درباره مطبوعات به سال ۱۹۵۶ توسط سیبرت و همکاران برمیگردد که هنوز هم مأخذ اصلی برای کارهایی از این نوع به شمار می‌آید. طبقه‌بندی چهارگانه سیبرت و دیگران هنوز معتبر است و با افزایش دو نوع جدید، به طبقه‌بندی ششگانه تبدیل شده است. این نظریه‌های ششگانه عبارتند از: نظریه اقتدارگرا، نظریه مطبوعات آزاد، نظریه مسئولیت اجتماعی، نظریه رسانه‌های شوروی، نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش، و نظریه مشارکت دموکراتیک رسانه‌ها (مک‌کویل، ۱۳۸۲: ۱۶۲). برای بررسی طنز مطبوعاتی، ما ناگزیر از تعریف چارچوبی برای وظایف و عملکردهای مطبوعات هستیم و در میان نظریه‌های فوق، نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها را با توجه به همخوانی با اهداف این تحقیق برگزیده‌ایم. در نظریه مسئولیت اجتماعی اصل بر ایجاد پیوند میان استقلال و آزادی رسانه‌ها و وظایف و مسئولیتهای اجتماعی آنهاست که تأکید میکند رسانه‌ها باید در عین پاسخگویی به نیازهای مخاطبان، در برابر فعالیتهای خود نیز مسئولیت داشته باشند و وظایف اجتماعی خود را محدود به گیرندگان پیام یا مالکان رسانه‌ها ندانند. مضمون اصلی این نظریه این است که آزادی و مسئولیت، دو روی یک سکه هستند و همان‌گونه که رسانه‌ها حق دارند از دولت و سایر نهادها انتقاد کنند، مسئولیتی نیز در قبال مصالح و منافع ملی و پاسخ به نیازهای جامعه دارند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۹). نظریه مسئولیت اجتماعی عقیده دارد که هر شخص که سخن مهمی برای گفتن دارد، باید یک تریبون آزاد در اختیار داشته باشد و اگر رسانه‌ها این وظیفه را بر عهده نگیرند، باید کسی مراقب باشد که آنها این کار را انجام دهند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۸: ۴۴۵).

نظریه‌های سه‌گانه طنز

جان موریل یکی از برجسته‌ترین و فعالترین پژوهشگران حوزه طنز در زمان معاصر است که مهمترین اندیشه‌ها پیرامون مفهوم طنز و شوخی در تاریخ را در قالب یک تقسیم‌بندی سه‌گانه اینچنین مطرح کرده است: تئوری برتری (Superiority theory): این نظریه که تا قرن هجدهم، یگانه فهم مسلط از مفهوم طنز و خنده بوده است، ریشه در اندیشه افلاطون و در طلسم عصر مدرن، توماس هابز دارد. هابز در تحلیل این حس خندیدن، اصطلاح *فخر ناگهان* (Sudden glory) را به کار برده و آن را اینطور تعریف میکند: «فخر ناگهان همان حسی است که آن اطواری را که خنده مینامیم باعث میشود و دلیل آن با عمل ناگهانی خود شخص است، که به نظرش خوشایند آمده، با درک چیز ناجور در دیگری که ناگهان فرد را به تحسین از خود وامیدارد. این نوع خنده بیش از همه، در کسانی شایع است که از حسیض ناتوانی خود آگاهند؛ کسانی که مجبورند برای رضایت از خود، به نواقص دیگران توجه کنند؛ بنابراین خندیدن به عیبهای دیگران عمدتاً نشانه بزدلی است» (دکرز و رابرتز، ۱۹۹۳: ۴۳). همان‌طور که میبینیم، این افق فکری به خندیدن و طنز نگاه مثبتی ندارد و آن را نشانه ضعف اخلاقی میداند. تئوری ناسازگاری (Incongruity theory): تئوری ناسازگاری معتقد است که حسی ناسازگار عامل خنده است. این دیدگاه جیمز بیتی، امانوئل کانت، سورن کیرکگور، آرتور شوپنهاور و بسیاری از فلاسفه و روانشناسان متأخر است. امروزه این تئوری، تئوری غالب برای طنز در فلسفه و روانشناسی است (موریل، ۱۳۹۲: ۴۳). در توضیح مختصر این نظریه میتوان گفت طنز حاصل تجربه ناهماهنگی محسوس میان دانسته‌ها و توقعات ما از یک سو، و اتفاقات رخ داده در لطیفه، خوشمزگی و مزاح از دیگر سوست (کریچلی، ۱۳۸۴: ۱۲).

تئوری تسکین (Relief theory): این تئوری در قرن هجدهم در رقابت با تئوری برتری و تئوری ناسازگاری شکل گرفت و تمرکز آن بر ویژگی‌های فیزیکی پدیده خنده است، بویژه درخصوص سامانه عصبی؛ امری که در تئوری برتری و ناسازگاری بی‌توضیح میماند (موریل، ۱۳۹۲: ۵۱). هرچند هربرت اسپنسر در قرن نوزدهم، خنده را آزاد شدن انرژی عصبی پس‌رانده‌شده توصیف کرد، اما این نظریه در قالب کتاب *لطیفه‌ها و رابطه آنها با ناخودآگاه* اثر زیگموند فروید در سال ۱۹۰۵، شناخته‌تر شده است. فروید در این کتاب ضمن تقسیم‌بندی طنز و لطیفه، شرح میدهد که انرژی آزاد یا تخلیه‌شده در خنده به این دلیل لذتبخش است که از میزان انرژی‌ای که در مواقع معمول برای مهار یا سرکوب فعالیت روانی به کار میرود، میکاهد (کریچلی، ۱۳۸۴: ۱۲).

معرفی اجمالی نشریه‌های نسیم شمال، توفیق، گل‌آقا

نسیم شمال نشریه‌ای اجتماعی و سیاسی و طنزآمیز بود که سید اشرف‌الدین حسینی گیلانی (قزوینی) در دوران جنبش مشروطه ایران ابتدا در رشت و سپس در تهران منتشر میکرد. شماره اول نشریه نسیم شمال در دوم شعبان ۱۳۲۵ قمری (برابر با ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸) در رشت منتشر شد. انتشار *روزنامه* در رشت تا ۱۳۲۹ قمری ادامه یافت که با به توپ بستن مجلس دچار وقفه‌ای هفت‌ماهه شد. دوره جدید انتشار نسیم شمال در تهران در پی مهاجرت اشرف‌الدین، به یاری فتح‌الله خان اکبر سپهدار رشتی در ۱۳۳۳ قمری آغاز شد. نسیم شمال در شهرستانها توزیع نمیشد و بصورت شخصی و فردی به شهرهای دیگر میرسید. هر شماره بسرعت به فروش میرفت و اشعار آن تبدیل به تصنیفهای مورد علاقه مردم میشد. بخش زیادی از مطالب نشریه را شعرهای ساده و روان و گاه عوامانه سیاسی، اجتماعی و مذهبی تشکیل میداد. اشرف‌الدین مطالب *روزنامه* را به نامهای مختلف امضا میکرد. از جمله هوپ هوپ (که یادآور تأثیرپذیری او از میرزا علی‌اکبر صابر بود)، فقیر، خرابعلی میرزا، لات‌لوت، یتیم‌جوجه، میرزا قشون‌علی، محروم‌الحقوق، آکل‌الوقفیات، و ده‌ها لقب طنزآمیز دیگر. بسیاری از شعرها و مطالب نسیم شمال، ترجمه یا اقتباسی از اشعار و مطالب نشریه *ملانصرالدین* بود که در *تفلیس* به ترکی منتشر میشد. نسیم شمال با انتشار ترجمه‌های این اشعار، خواننده فارسی‌زبان را با مضمونهای مطالب *ملانصرالدین* نیز آشنا میکرد (آرین‌پور، ۱۳۵۱، ج ۲: صص ۶۴-۶۵).

روزنامه توفیق نیز از جمله *روزنامه‌های* فکاهی معاصر ایران است. این *روزنامه* به مدیریت و صاحب‌امتیازی حسین توفیق از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۵۰ به مدت پنجاه سال در تهران منتشر میشد و در دوره‌ها و مسئولیت افراد مختلف، یکی از *روزنامه‌های* تأثیرگذار بود که چندین بار در دوران انتشارش طعم توقیف و حتی زندانی شدن مسئولانش را نیز چشید. نشر حقایق، تنویر افکار عمومی، مبارزه با جهل و فساد و خرافات و تلاش برای کسب آزادی و عدالت، شعار نشریه توفیق بود؛ نشریه‌ای که اگرچه خود را با عنوان فرعی *فکاهی* در اذهان عمومی جا داد، اما هرچه زمان بیشتر گذشت، مشی سیاسی و سیستم بنیان‌نهادنده مؤسسان آن، جامع‌ترین و مقلدپروترین شیوه در ساختار انتشار مجلات طنز در ایران شد. نوک پیکان این نشریه همیشه سابقه‌ای استعمار و استبدادستیزانه داشت که در مقابل دستگاه‌های رسانه‌ای عریض و طویل حکومتی، بیشترین تعداد خواننده را داشت و البته همراهان و نویسندگان و شاعران بسیار تحصیلکرده و از فرنگ آمده را نیز همراه خود کرده بود.

کیومرث صابری فومنی معروف به گل‌آقا در سال ۱۳۶۶ مجوز مجله‌ای فکاهی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را دریافت کرد و از سال ۱۳۶۹ نشریه «گل‌آقا» را بر روی دهکده‌ها فرستاد که یکی از نشریه‌های پرتیراژ و تنها نشریه طنز بعد از انقلاب بود. صابری فومنی که ادبیات خوانده و تدریس می‌کرد، قبل از اخذ مجوز مجله‌اش، در *روزنامه‌ها*

و نشریات دیگر طنز مینوشت. وی از سال ۱۳۴۵ با نشریه توفیق همکاری و با نامهای مستعار چون «گردن شکسته فومنی، میرزاگل، ابوالپایده، لوده، ریش سفید، گل آقا، مش رجب، غضنفر، شاغلام و مصادق» مطلب مینوشت. وی بیشتر توفیق خود را مدیون هفت سال ستون ثابت «دو کلمه حرف حساب» در روزنامه اطلاعات بود و توانست مردمی را که درگیر مسائل بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی بودند، دوباره با طنز آشتی دهد و همچنین آنها را برای پذیرش یک مجله همیشگی طنز آماده کند. صابری در شروع کار خود در این مجله، گروهی از بهترین طنزپردازان کشور را که اغلب توقیفی نیز بودند، گرد آورد. افرادی چون ابوتراب جلی، حسین گلستانی، محمدعلی گویا، مرتضی فرجیان، ابوالقاسم حالت و محمد شاپور و برای اغلب آنها بزرگداشت گرفت. شعار این نشریه «یک دهان دارم دو تا دندان لقی/ میزنم تا زنده هستم حرف حق» بود. این نشریه در دهه های ۷۰ و ۸۰ مدیران دولتهای هاشمی رفسنجانی و پس از آن دولت خاتمی را بعنوان سوژه هایی همیشگی در طنزهای تصویری روی جلدش مد نظر داشت. طنزهایی که با زبانی ساده، نقدهایی جدی را به سیاستهای داخلی و خارجی دولت مطرح میکرد، آنچنانکه به دل نقدشونده هم مینشست.

شگردهای ادبی در مطبوعات صدساله اخیر (نسیم شمال، توفیق، گل آقا)

در این بخش به بررسی نمونه هایی از انواع فنون ادبی در سه نشریه موردنظر پرداخته و چگونگی بکارگیری آنها در انتقال مفاهیم گوناگون سیاسی، اجتماعی، سیاسی و مانند آنها و ایجاد طنز مورد واکاوی قرار میگیرد. تشبیه: تشبیه پس از کنایه و طعنه، پرسامدترین فن بلاغی در این مطبوعات است. این تشبیهات به دو دسته اصلی تقسیم میشوند؛ در گروهی از آنها، طرفین تشبیه از واژگان، تعابیر و مفاهیم امروزی هستند و در گروهی دیگر آمیخته ای از واژگان، تعابیر و مفاهیم کهن و معاصر. به نمونه های زیر توجه کنید:

مدرک	من	شبیه	کفگیر	است	وسطش	جای	مبلغی	تیر	است
جیب	بنده	پناهگاهی	آمن	شهریه	نیز	مثل	آژیر	است	است
هیچکه	تاکنون	نساییده	است	کفش	شعرم،	اگرچه	از	جیر	است

(گل آقا: س ۷، ش ۱۶)

در این ابیات، کلماتی مانند «کفگیر»، «مدرک»، «شهریه»، «آژیر»، «ساییدن» و «جیر» از کلمات روزمره و گاه غیررسمی هستند که تا پیش از این کمتر اجازه ورود به ساحت شعر را داشته اند و همین امر به افزایش بار طنز عبارات کمک میکند.

در بیت ذیل، اما بافت و ساختار عبارات، رنگ و بوی کمابیش کهنتری دارد اما تشبیه «گرانی» به «غول» و «زالوی خونخوار» نوآوری داشته و نشانه اعتراض به اوضاع نامساعد اقتصادی است.

شد دشمن	سرسخت	من	این	غول	گرانی	افتاده	به	جانم	چو	یکی	زالوی	خونخوار
---------	-------	----	-----	-----	-------	--------	----	------	----	-----	-------	---------

(همان: س ۵، ش ۳۵)

در این بیت نیز در تشبیهی کلاسیک، «معدلت» به باغی تشبیه شده است که نباید انتظار میوه ای از آن داشت؛ چراکه سیطره ظالمان، مجال چنین انتظاری را نمیدهد.

میوه	باغ	معدلت	از	بر	ظالمان	مجو	ظالم	اگر	گُشد	ترا،	ناله	مکن	امان	مجو
------	-----	-------	----	----	--------	-----	------	-----	------	------	------	-----	------	-----

(همان: س ۵، ش ۳۳)

در بیت ذیل، مفاهیم کمابیش جدیدی چون «قبض برق» و «صرفه‌جویی در آب» مطرح شده است که با تشبیه قبض برق به «آتش» تضادی نیز با واژه «آب» فراهم آورده است.

گه ز آتش قبض برق هستیم کباب گه مضطر امر صرفه‌جویی در آب (همانجا)

درضمن این رباعی، نقیضه‌ای است بر رباعی ابوسعید ابوالخیر با مطلع:

گه میگردم بر آتش هجر کباب گه سرگردان بحر غم همچو حباب

ظاهراً شاعر بصورت تلویحی، اندوه عاشقانه و عارفانه ادبیات گذشته را به سخره میگیرد و دغدغه‌های اقتصادی را جایگزین آن میکند.

در بیت زیر از روزنامه نسیم شمال نیز از سرمای زمستان و فقر شکایت میکند و باد سرد را به سفیر تشبیه کرده است.

این اتاق ما شده چون زمهریر باد می‌آید ز هر سو چون سفیر
(نسیم شمال)

در ابیات ذیل از ناکارآمدی پارلمان شکایت شده و عدالت به آسمانی تشبیه شده که مردم بیپوده به آن ریسمان بسته‌اند. نسیم، امیدواران به پارلمان را نهنگانی میدانند که در دریای جهالت غرق شده‌اند. در این ابیات دو تشبیه بلیغ و دو تشبیه مرسل وجود دارد.

هست مدت نه سال، خلق پارلمان دارند هم به آسمان عدل بسته‌ریسمان دارند
(همانجا)

ما غرق به دریای جهالت چو نهنگیم افسوس که چون بوقلمون رنگ‌به‌رنگیم
(همانجا)

در عبارات ذیل از نشریه توفیق، نویسندگان در تشبیهات پی‌درپی (دو تشبیه بلیغ و دو تشبیه مرسل)، توانمندی قوه خیال خود را به تصویر میکشد:

«دود سیگار در فضای کافه مانند امواج دریا روی هم غلطیده و بسمت پنجره نیمه‌باز پیش میرفت. ... در پیچ و خم این امواج موهوم خاکستری‌رنگ، پشه‌های سمج مانند ماهیان ریز طلایی شنا میکردند. ... ولی این اصوات مختلف و متضاد هیچکدام قادر نبود که همای بلندپرواز فکر (شاعر) ما را از سیر در اعماق آسمان خیال بازدارد» (توفیق، سالنامه ۱۳۴۵).

در بیت ذیل نیز در توصیف مهمانیهای عید، آجیل و شیرینی را به مزرعه‌ای تشبیه میکند که با داس دندانهای مهمانان در یک لحظه درو میشود:

ای بسا آجیل و شیرینی که همچون مزرعه گشت برق‌آسا همه با داس دندانها درو
(توفیق، سالنامه ۱۳۴۸)

استعاره: با توجه به فضای سیاسی این نشریه‌ها و استفاده از زبان و تعبیرات معاصر، استعاره کم‌کاربردترین فن بلاغی در آنهاست. در واقع سادگی زبان و مخاطب عام، موجب شده شاعران و نویسندگان، بیشتر بسمت استفاده

از تشبیه بروند تا استعاره. به چند نمونه از استعاره در این آثار توجه کنید. در بیت نخست، استعارهٔ مکنیه‌ای درمورد «شعر» به کار رفته است که شاعر آن را در مفهوم نارسایی شعر خود آورده است.

هنوز رودهٔ اشعار من پُر از ورم است اگرچه وزن معانی در آن هنوز کم است
(گل آقا، نوروز ۱۳۷۴)

ابیات ذیل که بخشی از شعر نسیم با عنوان «در بحران کابینه و ناامیدی از وکلا» است، «زمین بیحاصل» و «کشتی» با وجه شبه «بیهودگی و ناکارآمدی» استعاره از «کابینه» هستند. او همچنین اعضای کابینه را چون کلاغانی میداند که بجای بلبل، بر سر قدرت آمده و کاری از پیش نمیبند.

این زمین بیحاصل جای آبیاری نیست در جبین این کشتی نور رستگاری نیست
(نسیم)

جای بلبل مسکین در چمن کلاغ آمد جای بادۀ شیرین زهر در ایاغ آمد
(همانجا)

کنایات و ضرب‌المثلها: با توجه به زبان عامیانه و مخاطب این نشریات، طبیعی است که کنایات و مثلها، کاربرد وسیعی در آنها داشته باشند. در این آثار، بسیاری از تعبیرات نو و کهن در کنار هم و برای انتقال بهتر و مؤثرتر مفهوم به کار رفته‌اند. به نمونه‌هایی از آنها در این سه نشریه اشاره میشود:

«بالآخره یک غضنفری، مش‌رجبی، کمینه‌ای، مصادقی، و غیره‌ای پیدا میشود که نگذارد چرخ حرف حساب، پنجر و سماور و قوری آبدارخانه دَمَر شود» (گل آقا: س ۶، ش ۴۰). برخی از این کنایات بر ساختهٔ خود نویسنده است و تا کنون به کار نرفته است؛ «چرخ چیزی دمر شدن» در این عبارات به معنی «از کار افتادن و بی‌تأثیر شدن» است.

«این روزها رسم است که راجع به نامزدی انتخابات (حالا چه این یکی، چه آن یکی! چه اینوری، چه آنوری!) یقهٔ آدم را بگیرند و سؤالی بنمایند. هنوز لب تر نکرده، خبرش رفته به لیتوگرافی!» (همانجا).

«درمورد دیگر برادران، عجلتاً یک کمی تأمل مینماییم که پیگذار به آب نزده باشیم. چرا؟ از برای اینکه در عالم سیاست، بعضی از (نه‌ها، یعنی آری) و هکذا بالعکس! یعنی ما که سیلیمان در محضر گل آقا سفید شده، نباید از اخبار جراید رودست بخوریم» (همانجا). در این عبارات سه کنایه به کار رفته است، که یکی از آنها بر ساختهٔ نویسنده است: «سیل کسی در محضر کسی سفید شدن» که کنایه است از «در نزد کسی تجربه آموختن و دوران گذراندن».

چون خوراکها گران شد، روزه میباید گرفت مدرک لیسانس را در کوزه میباید گرفت
(همان: خرداد ۱۳۷۵)

پرسید از وکیل و نماینده گفتمش با حرف کی سر کچل من شود دوا
(همان: ۱۴ تیر ۱۳۷۵)

من بدنبال تو ای مرغ، به هر گوشه روانم سوی من آی و زین دربدری‌ها برهانم
رنگ بازم، چو بهای تو به هر دکه ببینم رنگ رخسار خبر میدهد از سر نهانم
(همان: نوروز ۱۳۷۳)

چنین گفت دولت که جنس گران ز هرسو دل مرد و زن خون کند
هر آن‌کس فروشد گران، کاشکی ترازوش را چرخ، وارون کند!

بگفتم: نکو گفته دولت، ولی رطب‌خورده منع رطب چون کند؟! (همان: س ۵، ش ۳۳)

گداها را همه مسرور دیدم / شکمها را همه معمور دیدم / به فضل عید جشن و سور دیدم
 زدم فی‌الغور طبل شادمانه شتر در خواب بیند پنبه‌دانه (نسیم شمال)
 داریم جمیعاً هوس حوری و غلمان / نه گبر و نه ترسا نه یهود و نه مسلمان
 نه رومی رومییم و نه هم زنگی زنگیم / افسوس که چون بوقلمون رنگ‌به‌رنگیم (نسیم شمال)
 ای اشرف بیچاره در فکر اطاعت شو / عمرت ز چهل بگذشت مشغول عبادت شو...
خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو (نسیم شمال، س ۴، ش ۲)
 کوچه را وقت روز گز میکرد / وقت شب نیز پخت‌وپز میکرد (توفیق، سالنامه ۱۳۴۵)
 این جماعت با هجوم خود مجسم میکنند / صحنه میدان جنگ و دسته‌های پیشرو
 تا شکمها را درآرند از عزا، گردیده‌اند / دسته دسته در میان کوی و برزنها ولو (توفیق، سالنامه ۱۳۴۸)
طعنه و آبرونی: پرکاربردترین فن بلاغی در این نشریات، طعنه و آبرونی است. سخنوران در جای جای این آثار، با استفاده از طعنه و آبرونی، از زهر کلام خود کاسته و نوعی طنز نیز آفریده‌اند. ایشان با القای نوعی خونسردی و بی‌اعتنائی و گاه بیرحمی، عکس مطلب موردنظر خود را بر زبان آورده‌اند و این چیزی جز آبرونی نیست. در بیت ذیل، شاعر ظاهراً راهکاری برای مقابله با کم‌ارزش شدن بهای پول ارائه میکند، اما در مصراع دوم، نشان میدهد که راهکار او تنها طعنه‌ای بر مسئولان امر است و نه تنها کاری از پیش نمیرد که عملاً نشدنی است.
 چون بهای پول خیلی کم شده، جای حقوق برلیان و گوهر و فیروزه میباید گرفت (گل‌آقا، خرداد ۱۳۷۵)
 «از وزیر کشاورزی پرسیدند: با آزاد شدن صادرات سیب زمینی، مردم از این نانخورش اعیانی! محروم نمیشوند؟ گفت: نه! با وزیر بازرگانی درمورد واردات چیپس هماهنگیهای لازم به عمل آمده است. نگران نباشید!» (همان: س ۵، ش ۳۵). در این عبارات ابتدا با استعاره طعنه‌آمیز «نانخورش اعیانی» از «سیب‌زمینی» مواجه میشویم و سپس به راهکار دیگری برای مقابله با کمبود آن برمیخوریم که همانند شاهدمثال پیشین، نه تنها دردی دوا نمیکند که خود مشکلی جدید است. در واقع در این عبارات، کمبود سیب‌زمینی که قوت غالب مردم طبقه پایین دانسته شده، قرار است با «چیپس» که فرآورده‌ای لوکس و گرانتر است، برطرف شود.
 در عبارت ذیل، دلیلی دردناک و گزنده برای نداشتن پول کافی جهت خرید لباس زمستانی، ارائه شده است. این عبارات در کمال منطق، خونسردی و جدیت بیان شده است، درحالیکه در ورای آن خشم و اعتراضی کوبنده پنهان شده است: «امسال پول برای خرید بارانی و کاپشن برای بچه‌ها نده، چون زمستان گرمی در پیش داریم» (همانجا).
 در مثالی مشابه در عبارت ذیل نیز مزیتی برای «کمبود وقت» برشمرده شده است که در واقع اعتراضی است بر یک برنامه بی‌کیفیت در نظر نویسنده: «کمبود وقت همیشه هم بد نیست و گاهی فوایدی هم دارد. از جمله همین که نویسنده برنامه جنگ شب گفته: کمبود وقت باعث شده این برنامه هر بار فقط ۱۵ دقیقه پخش شود» (همانجا).
 عبارت پیش رو نمونه‌ای اعلا برای آبرونی است. نویسنده در کاربردی کاملاً متضاد و متباین، اوج خشم و اعتراض

خود را درمورد نابرابری و ظلم درحق اقشار ضعیف جامعه نشان می‌دهد: «زورتان به پینه‌دوزها و کاسه‌بشقاب‌ها نمیرسد، آنوقت تلافی آن را سر طلافروشها درمی‌آورید» (همانجا).

در عبارت ذیل نیز، شاهد پرسش و پاسخی آبرونیک، طنزآمیز و البته دردناک هستیم: «- به نظر تو کسی هم هست که هیچ غم و غصه‌ای نداشته باشد؟ - بله، خیلی. یکیش همین بچه یک سال و نیمه خود من» (همان: س ۵، س ۳۳).

بیت زیر نیز دلیلی ظاهراً موجه برای راه نداشتن به مجلس اعیان، یا راه نداشتن بسوی خدا بیان شده است. در واقع «به خدا» را میتوان هم نوعی قسم دانست و هم نه؛ در صورت نخست، فقر را حتی دلیل دور شدن از خدا میدانند که این سخن از حضرت محمد (ص) را به یاد می‌آورد که: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (الکافی، ج ۲: ۳۰۷). در صورت دوم نیز شاعر به خداوند قسم یاد میکند که اگر پول به همراه نداشته باشی، در مجلس اعیان راهی نخواهی داشت:

در مجلس اعیان به خدا راه نداری / زیرا که زر و سیم به همراه نداری (همانجا)

طنز با وارونه کردن واقعیت، دلالت‌هایی را کشف میکند که اگرچه برای خواننده خنده‌دار و مضحک است، اما هشداردهنده است. طنز با گسیختن رشته انسجام معنایی و دچار کردن نشانه‌ها به تضاد و تناقض، نابرابریها و دوگانگی‌هایی را بیان میکند. از جهت ایجاد تناقض و ناسازگاری معنایی نوعی آبرونی است؛ با این تفاوت که در آبرونی، تناقض خود را تفکیک نمی‌کند، اما در ناسازگاری و تناقض درونی نوعی تفکیک وجود دارد. ناسازگاری و تناقض اگر با قصد همراه باشد، میتواند نوعی آشنایی‌زدایی باشد؛ چنانکه در شعر زیر آمدن بهار برای مردم ثروتمند مبارک است، اما نمیتوان برای زارع صفاتی چون گرسنه و عریان را آورد و باز مبارک باد گفت. او در واقع میخواهد تضادهای امر واقع را توضیح دهد تا توصیفی در برابر نابرابریها و ظلمها باشد. شعر زیر در حوزه ناسازگاری و تناقض درونی است که منجر به طنز گردیده است:

«این نوبهار بر همه تهران مبارک است / بر اهل شهر و مردم شمران مبارک است / بر زارع گرسنه و عریان مبارک است. امسال از برای فقیران مبارک است / فرخنده باد سال به اصناف خون جگر / فرخنده بادس سال به فقیران رنجبر / فرخنده باد سال به غریبان دربردر / بر ساکنان گوشه زندان مبارک است / از یک طرف برهنه فقیران لات و لوت / محتاج روز و شب همه بر قوت لایموت / اطفالشان برهنه و لاغر چو عنکبوت / آن اشک شور و آن دل بریان مبارک است» (نسیم شمال: س ۲، ش ۳).

این شعر نسیم شمال دارای تعریضهای پنهانی است که در زبانی به ظاهر شاد به بهانه مبارک‌گویی فصل بهار سروده شده است. هرچه شعر از مطلع خود دور میشود تا به مطلع خود برسد، به تعریضهایش افزوده میگردد. شور و شغف برخاسته از آمدن بهار با تداعی‌هایی که به ذهن شاعر میرسد، تبدیل به صراحتی غمبار گشته است. چیزی که این تداعیها را بر ساخته، فضای ناسازگار و متناقض‌نمای متن است. شعر از همان بیت اول دوقطبی میشود؛ چنانکه وقتی در مصراع اول به همه مردم تهران مبارک باد میگوید، در مصراع دوم تفکیک نمادین اهل شهر و مردم شمران شکل میگیرد. این فضای دوقطبی تا پایان همچنان حفظ میشود و ترکیبات متناقض گونه را با ردیف «مبارک است»، با هم جمع میکند.

در تمامی این موارد، گوینده همچنانکه از زهر کلام خود کاسته و احتمالاً عواقب ناخوشایند انتقادات را از خود دور داشته، بر تأثیرگذاری و نفوذ آن نیز افزوده است.

کاربرد شعر: این نشریات، بویژه با گذشت زمان و فراگیر شدن سواد در سطح جامعه، دربرگیرنده همه سلاقی

مردم جامعه ایرانی است و در قالبهای شعری هم این طیف سلاقی در نظر گرفته شده است. در جای جای این آثار، اشعار گوناگون نیز به چشم میخورد. در شماره‌های اولیه گل‌آقا بیشتر با قالبهای غزل و مثنوی مواجه میشویم؛ اما بعدها هرچه تکامل پیدا میکند، قوالب دیگر شعر مانند قطعه، دوبیتی، رباعی و شعر آزاد هم به این مجموعه اضافه میشود. نکته جالب توجه این است که اشعار این مجموعه، شاعران گوناگونی از سراسر کشور دارد که با اسامی مستعاری مانند «بچه همدان» یا «حکیم‌باشی» بصورت داوطلب، اشعار طنز میفرستند و گل‌آقا نیز با در نظر گرفتن کیفیت مطالب، اقدام به چاپ آنها میکند. بی‌تردید در بیان مسائل طنز اجتماعی، غزل متداولترین قالب شعری در نشریه گل‌آقا است. اما روزنامه نسیم شمال، با توجه به اینکه سید اشرف‌الدین گیلانی خود شاعری برجسته است، اغلب با اشعار خود او مزین شده است. در ادامه به نمونه‌هایی از این اشعار اشاره میشود.

در این زمانه، پزشکی که مرد میدان است	طبيب حاذقی از خطه سپاهان است
علیم علم طبابت، حکیم حکمت تن	به‌راستی که وی استاد علم‌الابدان است
مؤلفی است سترگ و مترجمی است بزرگ	مؤلفات و رسالات او فراوان است
سخنوری است توانا، مدبری است مدیر	مبارزی است که نستوه و اهل ایمان است
کنون ز گردش چرخ، این طبیب فرخ‌فال	یگانه مرجع مرضی و دردمندان است
ولی دریغ که دارو نمیدهد به مریض	ولی فسوس که از نسخه رویگردان است
به جای نسخه نوشتن، هماره در پی نطق	همیشه بر سر بیمار خود، سخنران است
به دوست شکوه نمودم که این طبیب چرا	ز نسخه دادن و دارو چنین گریزان است؟!
به خنده گفت: همانا که این حکیم عجیب	ز تربیت‌شدگان وزیر درمان است؟!

(گل‌آقا: س ۴، ش ۳۸)

و این دوبیتی:

بشم واشم از این تهران به درشم	به دشت و دره و کوه و کمرشم
از این شهر گران و بیقواره	برم تا میتوانم دورترشم

(سال ۴، ش ۳۸)

و این قطعه که در شماره نخست سال ۱۳۷۳ و ویژه‌نامه نوروز گل‌آقا به چاپ رسیده و از واژه «کرتاهه» که بر اثر نمایش فیلمهای هندی، وارد مکالمات مردم ایران شده بود، بعنوان قافیه استفاده کرده است:

بخت ما عزم خواب کرتاهه	خروپف بیحساب کرتاهه
نقشه‌های کشیده ما را	جمله نقش برآب کرتاهه
اندکی نان بربری و پنیر	جانشین کباب کرتاهه

نقیضه‌گویی: بخش قابل توجهی از اشعار در این نشریات، بویژه گل‌آقا، بعنوان نقیضه برای اشعار شاعران صاحب‌نام کهن و معاصر سروده شده است. نقیضه‌گویی در اصطلاح ادبی نوعی تقلید طنزآمیز از یک اثر ادبی معروف است. شاعر یا نویسنده نقیضه‌سرا از سبک، قالب و طرز نگارش نویسنده و شاعر مشهوری تقلید میکند و قصدش از این کار انتقاد یا شوخ‌طبعی است. نقیضه‌سرایی تقلیدی ظریف و هنرمندانه از آثار ادبی مشهور است. نقیضه‌پرداز موفق، کسی است که از ذوق و قریحه خداداد و از خلاقیت و استعداد بالایی برخوردار باشد تا بتواند بین اثر اصلی و نقیضه آن ارتباطی منطقی و تعادلی لطیف برقرار سازد. نقیضه‌پردازی را در ادبیات غرب، پارودی (parody) گویند (داد،

۱۳۸۲: ذیل واژه).

در نمونه اول، شعر ذیل با کسب اجازه از فریدون مشیری، و در نقیضه یکی از اشعار معروف او و در اعتراض به بیکیفیتی مسئولان و گرانی سیبزمینی سروده شده است:

«تو نیستی که ببینی چگونه عطر تو در عمق لحظه‌ها جاری است / چگونه چهره تو، میان آئینه ذهن ما پیداست / و نرخ سیبزمینی اَهَم اخبار است / چگونه مسئولان برای حلّ چنین معطل عظیم و سترگ / هزار چاره نمودند و وعده‌ها دادند؛ چه وعده‌های بزرگ / و خوب یادم هست میان باغ عمل - پشت خندق وعده - / که باد می‌آمد و کشک میبارید و پشم میروید / حضور سبز تو در جان زندگی خالی است / و من به سیبزمینی سلام خواهم داد» (گل آقا: س ۷، ش ۲۱).

همچنین شعر زیر که نقیضه‌ای است بر شعری از حمید مصدق و از کم‌ارزش بودن مدرک تحصیلی، و اهمیت دادن به مادیات، انتقاد میکند:

«تو به من خندیدی و نمیدانستی / من به چه دلهره از توی کمد / کت دامادی بابایم را دزدیدم و به خیاطی اصغر دادم / که کند تنگ برای من نازک‌اندام / در زمانهای قدیم نسل ما بود کمی چاق‌ترک / پیش بابای تو رفتم دیشب / پدرت مدرک لیسانس مرا دستم دید / غضب‌آلوده به من کرد نگاه / سینی چای به دست / مثل چکه‌های من وامانده / تو به دستور نگاه غضب‌آلود باباجانت / برگشتی / و پس از برگشتن، هر و هر و هر / در خیالت به من باخته‌دل خندیدی / و تو رفتی و هنوز جای اردنگی بابا جانت / میدهد آزارم و من اندیشه‌کنان غرق این پندارم / کت دامادی بابایم را که کنون تنگ شده است / به چه رویی ببرم توی کمد بگذارم» (همان: س ۴، ش ۳۴).

مثنوی زیر نیز که به ابیاتی از بوستان سعدی اشاره دارد، طنزی است جالب و شنیدنی:

شنیدم که یک ابله پیرمرد	سرش طاس و رویش ز تریاک زرد
قضا را شب از درد دندان نخفت	بر دکتری رفت و با ناله گفت
کز این درد امشب بجان آمدم	بنزدت ز منزل دوان آمدم
بکش بی‌تحمل تو دندان من	بخر از کرم این زمان جان من
دو دندان او را مر آن نیکمرد	بفوری کشید و رهندش ز درد
نهاد از پس مدتی گفتگو	دو دندان مصنوعی از بهر او
پس آنگاه پیر سفیه و خرفت	مچ دکتر بینوا را گرفت
که من بعد باید مرا نان دهی	هر آنچه که شاعر بگفت آن دهی
برآشت دکتر که هذیان مگو	مر این یاهوها نیست از تو نکو
بگفتا که انکار بیهوده است	چو شاعر چنین نکته فرموده است
مخور هول ابلیس تا جان دهد	هر آنکس که دندان دهد نان دهد

(توفیق، نوروز ۱۳۴۵)

نتیجه‌گیری

طنز مطبوعاتی طرح یا نوشته‌ای وابسته به رویدادهای روز است که در راستای اهداف و خطمشی رسانه‌ای که در آن منتشر میشود، موضوعی را با روایت طنز بیان میکند. در این مقاله تلاش شد شگردهای طنز آفرین ادبی در سه نشریه نسیم شمال، توفیق و گل آقا تحلیل و بررسی شود. این نشریه‌ها در دوران مشروطه و پس از انقلاب اسلامی، مطالب انتقادی متنوعی را هر روز، هفته یا سال منتشر میکردند و بسیاری از مسائل و موضوعات آن دوره را بواسطه

بهره‌گیری از انواع شگردهای ادبی به طنز و سخره می‌گرفتند. پس از بررسی صناعات ادبی در این سه نشریه، بدین نتایج دست یافته‌ایم:

- در طنزنامه‌های توفیق و گل‌آقا تنوع مطالب بسیار بیشتر از نسیم شمال است؛ چراکه بخشی از مطالب در گل‌آقا و توفیق اختصاص به خوانندگان و طرفداران دارد که مطالب طنز خودشان را ارائه می‌کنند. به همین دلیل تنوع صنایع با توجه به تنوع مطالب، گسترده‌تر است.

- هر سه نشریه در راستای مسئولیت اجتماعی خود، به بیان انتقادات مستقیم و غیرمستقیم از اوضاع نامساعد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پرداخته‌اند.

- مقوله طنز در این نشریات، بخشی اضافی، تزئینی یا سرگرم‌کننده نیستند و مهمترین رویکرد و وظیفه خود را طرح مسائل اجتماعی در قالب این نوع ادبی میدانند. گاه مطالب در این متون بقدری تلخ است که روکش طنز و خنده‌آور آن بکلی فراموش می‌شود.

- براساس نظریه‌های سه‌گانه طنز، رویکرد اصلی طنز در این متون، رویکرد ناسازگاری است. این نظریه تلاش می‌کند شرایط لازم برای شوخی را- یعنی ادراک یک عدم تطابق- فهرست کند و این وظیفه، آن را از یافتن شرایط کافی بازمیدارد. گل‌آقا، توفیق و نسیم شمال، هر سه با استفاده از آبرونی و طعنه، تناقضهای موجود در شرایط موجود جامعه را به تصویر میکشند. این فن بلاغی پرکاربردترین آرایه در هر سه نشریه است که سعی دارد با نشان دادن ناهماهنگی و مشکلات، زمینه اصلاح دور از خشونت را فراهم کند.

- پس از آبرونی و طعنه، کنایه، ضرب‌المثل، تشبیه و استعاره بترتیب دارای بیشترین کاربرد هستند.

- هر سه نشریه بویژه گل‌آقا با نقیضه‌گویی، نگرشهای متناقض کهن و معاصر را به چالش میکشاند.

- زبان در این نشریات ساده بوده و نسیم شمال بعلاوه تقدم زمانی آن و وجه شاعری سید اشرف‌الدین دارای زبانی به نسبت رسمیت‌ر و ادیبانه‌تر است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در پردیس البرز دانشگاه تهران استخراج شده‌است. آقای دکتر امید مجد راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم فرحناز محمدی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی پردیس البرز دانشگاه تهران که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش

تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Arianpour, Yahya. (۱۹۹۳). From Saba to Nima: History of ۱۵۰ years of Persian literature, Tehran: Zavvar.
- Critchley, Simon. (۲۰۰۴). About humor, translated by Sami Sohail, Tehran: Qoqnos.
- Dad, Sima. (۲۰۱۲). Dictionary of literary terms (new edition). Tehran: Morvarid.
- Erfani, Amir. (۲۰۰۰). Humor in Iran's Press, *Resane Magazine*, No. ۴۳.
- Furqani, Mohammad Mahdi and Siyasi, Pardis. (۲۰۱۶). "Press humor and political discourses in three periods of reforms, fundamentalism and moderation", *Resaneh Magazine*, (۴) ۲۸, pp. ۲۶-۵.
- Gilani, Ashrafuddin. (۱۳۲۵). Nasim Shomal newspaper, ۷۲ no. Rasht.
- Hakimi, Mahmoud. (۱۹۹۶). Political Jokes, Qom: Khorram.
- John, Muriel. (۲۰۱۲). Philosophy of humor: analysis of humor from the perspective of knowledge, art and ethics, translated by Daniyal Ja'fari and Mahmoud Farjami, Tehran: Ney Publishing.
- Kalini, Mohammad bin Yaqub. (۱۹۸۴). Al-Kafi, second volume, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Kreuz, R. J. and Roberts, R. M. (۱۹۹۳). "On Satire and Parody: The Importance of Being Ironical", *Metaphor and Symbol*, ۸ (۲), pp. ۹۷-۱۰۹.
- Mahdizadeh, Seyyed Mohammad. (۲۰۰۹). Media theories, popular ideas and critical perspectives, Tehran: Hamshahri.
- McQuail, Dennis. (۲۰۱۲). An introduction to the theories of mass communication, translated by Parviz Ejlali, third edition, Tehran: Media Studies and Development Office.
- Tankrad, James and Sorin, Joseph. (۲۰۰۸). Theories of Communication, translated by Alireza Dehghan, Tehran: Tehran University Press.
- Teymuri, Mehrdad. (۲۰۱۷). Press Culture, Alborz: Mallard.

فهرست منابع فارسی

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲). از صبا تا نینما: تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، تهران: زوار.
- تانکراد، جیمز و سورین، جوزف ورنر (۱۳۸۸) نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تیموری، مهرداد (۱۳۹۷) فرهنگ مطبوعات، البرز: ملرد.
- جان، موریل (۱۳۹۲) فلسفه طنز: بررسی طنز از منظر دانش، هنر و اخلاق، ترجمه دانیال جعفری و محمود فرجامی، تهران: نشر نی.
- حکیمی، محمود (۱۳۷۵) لطیفه‌های سیاسی، قم: خرم.

- داد، سیما (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی (ویرایش جدید). تهران: مروارید.
- عرفانی، امیر (۱۳۷۹). طنز در مطبوعات ایران، مجله رسانه، شماره ۴۳.
- فرقانی، محمدمهدی و سیاسی، پردیس (۱۳۹۶) «طنز مطبوعاتی و گفتمانهای سیاسی در سه دوره اصلاحات، اصول‌گرایی و اعتدال»، مجله رسانه، (۴) ۲۸، صص ۵-۲۶.
- کریچلی، سیمون (۱۳۸۴). در باب طنز، ترجمه سمی سهیل، تهران: ققنوس.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳) الکافی، جلد دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گیلانی، اشرف‌الدین (۱۳۲۵) روزنامه نسیم شمال، ۷۲ شماره. رشت.
- مک کوایل، دنیس، (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریات ارتباط جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۹) نظریه‌های رسانه اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران: همشهری.
- Kreuz, R. J. and Roberts, R. M. (۱۹۹۳). "On Satire and Parody: The Importance of Being Ironical", *Metaphor and Symbol*, ۸ (۲), pp. ۹۷-۱۰۹.

معرفی نویسندگان

فرحناز محمدی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(Email: farahnaz.mohammadi1968@gmail.com)

امید مجد: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(Email: majdomid@ut.ac.ir: نویسنده مسئول)

COPYRIGHTS

©۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Farhanaz Mohammadi: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Alborz Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Email: farahnaz.mohammadi1968@gmail.com)

Omid Majd: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Email: majdomid@ut.ac.ir: Responsible author)